

ترامپ یا بائیدن؟

VS



مهم است که بدانیم ترامپ و بایدن در برخی از اولویت‌های سیاست خارجی نقاط اشتراکی با یکدیگر دارند. دموکرات‌ها و جمهوری خواهان به طور یکسان در مورد چین موضع تند و تهاجمی‌ای دارند و همین طور نیز باقی خواهند ماند. بایدن و ترامپ هر دو از حامیان قوی اسرائیل بوده‌اند، اما آنان هم چنین می‌دانند که عادی‌سازی روابط بین اسرائیل و عربستان سعودی ممکن است مستلزم شناخت راه حل نهایی دو کشور اسرائیل و فلسطین باشد. بزرگترین تفاوت میان ترامپ و بایدن در مورد مسائلی از جمله ناتو، اروپا و درگیری روسیه و اوکراین است. برخی نگران هستند که ترامپ اوکراین را رها کند و اجازه دهد روسیه در جنگ پیروز شود.

علاوه بر این، آن چه ترامپ واقعا می‌خواهد آن است که اعضای اروپایی ناتو بار هزینه دفاعی بیش‌تری را برعهده گیرند. اگر کشورهای اروپایی این کار را انجام دهند او ممکن است ارزش آن پیمان دفاعی را برای مهار چین تشخیص دهد.

بزرگترین تأثیری که دولت احتمالی ترامپ بر بازارها خواهد گذاشت سیاستگذاری‌های اقتصادی آن دولت است. تردیدی وجود ندارد که ترامپ سیاست‌های حمایت از تولیدات و صنایع داخلی امریکا را تشدید خواهد کرد. ترامپ پیش‌تر گفته بود که بر همه کالاهای وارداتی به ایالات متحده تعرفه ۱۰ درصدی اعمال خواهد کرد (میانگین نرخ تعرفه در حال حاضر حدود ۲ درصد است) و احتمالا حتی تعرفه‌های بیشتری بر واردات از چین اعمال خواهد کرد. این امر نه تنها در مورد رفقای استراتژیک مانند چین بلکه در قبال با متحدان امریکا در اروپا و آسیا مانند ژاپن و کره جنوبی جرقه جنگ‌های تجاری جدیدی را خواهد زد.

یک جنگ تجاری جهانی باعث کاهش رشد و افزایش تورم می‌شود و آن را به بزرگترین خطر ژئوپولیتیکی تبدیل می‌کند که بازارها باید در ماه‌های آینده در نظر بگیرند. در این سناریو معکوس شدن روند جهانی شدن، جداسازی، پراکندگی، حمایت از صنایع و تولیدات داخلی، زنجیره‌های عرضه جهانی و دلارزدایی به خطرات بزرگ‌تری برای رشد اقتصادی و بازارهای مالی تبدیل خواهند شد.

سناریوی اول (تداوم حضور ترامپ)

تداوم فشار حداکثری و بلاتکلیفی اقتصاد

حضور مجدد ترامپ در مسند ریاست جمهوری آمریکا، به معنای تداوم بلاتکلیفی و پمپاژ ریسک به سیاست و اقتصاد دنیاست. در مورد ایران نیز به نظر چهار سال بعدی سیاست ترامپ را باید در ادامه مسیر چهار سال گذشته دید.

می‌توان انتظار داشت که مذاکره در دور دوم ترامپ نیز با چالش‌های فلسفی و منطقی خود مواجه باشد. بنابراین بعید است که به‌زودی در روند فعلی تنش بین دو کشور تغییری حاصل شود.

این یعنی احتمالاً رویکرد فشار حداکثری آمریکا با برخوردهای مقطعی دو کشور و البته پرهیز هر دو طرف از جنگ ادامه خواهد داشت. علاوه بر این رقابت‌های سیاسی داخلی، تصمیمات لازم اقتصادی را به تاخیر خواهد انداخت و در کل گذر زمان را به ضرر اقتصاد ایران رقم خواهد زد. افزایش نقدینگی، افزایش تورم و چشم‌انداز افزایشی نرخ ارز تنها خروجی این وضعیت خواهد بود. این می‌تواند بدترین سناریوی پیش روی اقتصاد ایران و بازار ارز باشد.

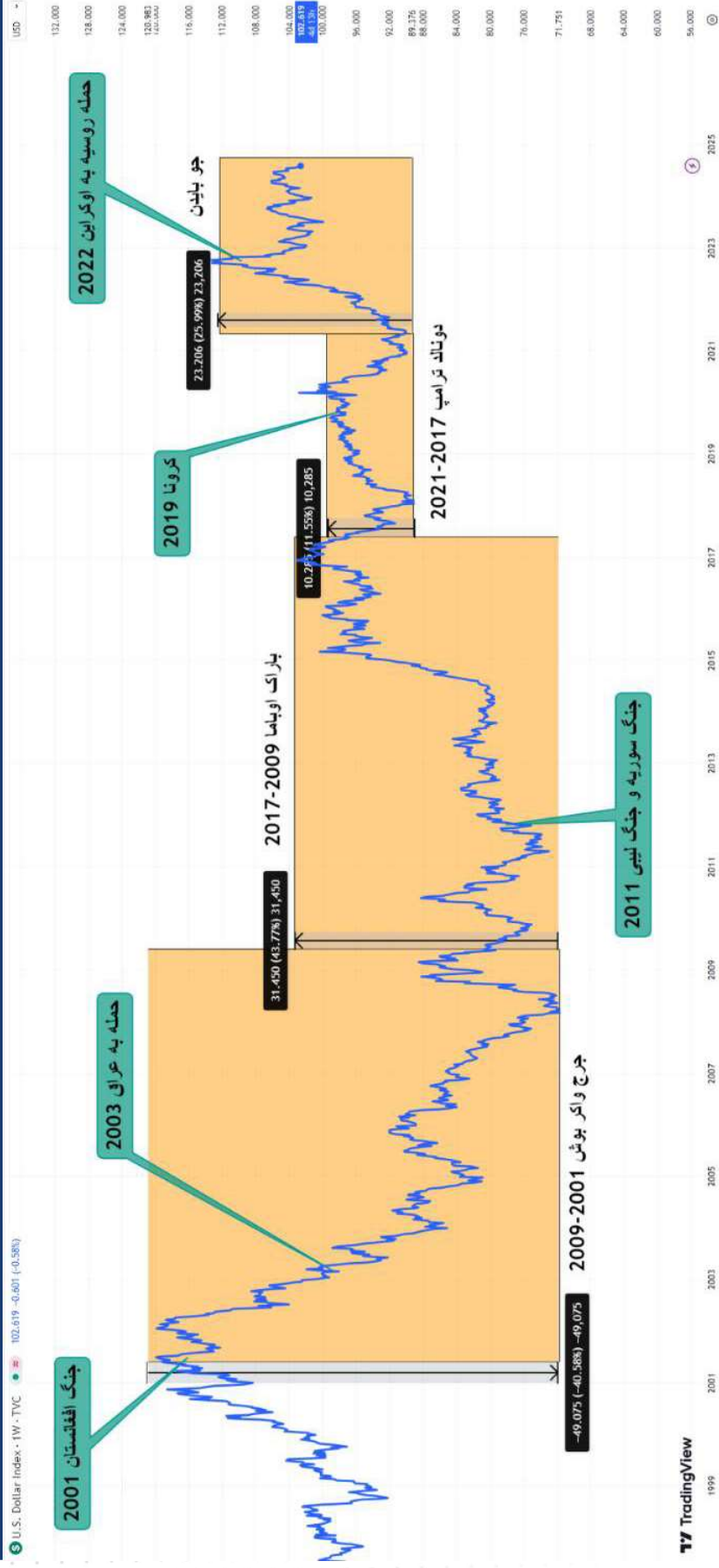
سناریوی دوم (پیروزی بایدن)

«تبدیل فشار حداکثری» به «فشار غیرحداکثری»

بایدن در دوران ریاست جمهوری اوپاما معاون او بود و می‌توان انتظار داشت که رویکرد او در بسیاری از مسائل، از جمله برجام، به دوران اوپاما نزدیک باشد. بنابراین بی‌دلیل نیست که او به صراحت از خروج ترامپ از برجام انتقاد و اظهار کرده است که بعد از پیروزی در انتخابات، آمریکا را مجدداً به برجام بازخواهد گرداند.

با وجود اینکه نمی‌توان از اثر مثبت خبر پیروزی بایدن بر اقتصاد ایران صرف‌نظر کرد، اما در میان مدت و بلندمدت انتخاب بایدن تاثیر مثبت زیادی بر وضعیت فعلی اقتصاد ایران نخواهد داشت.

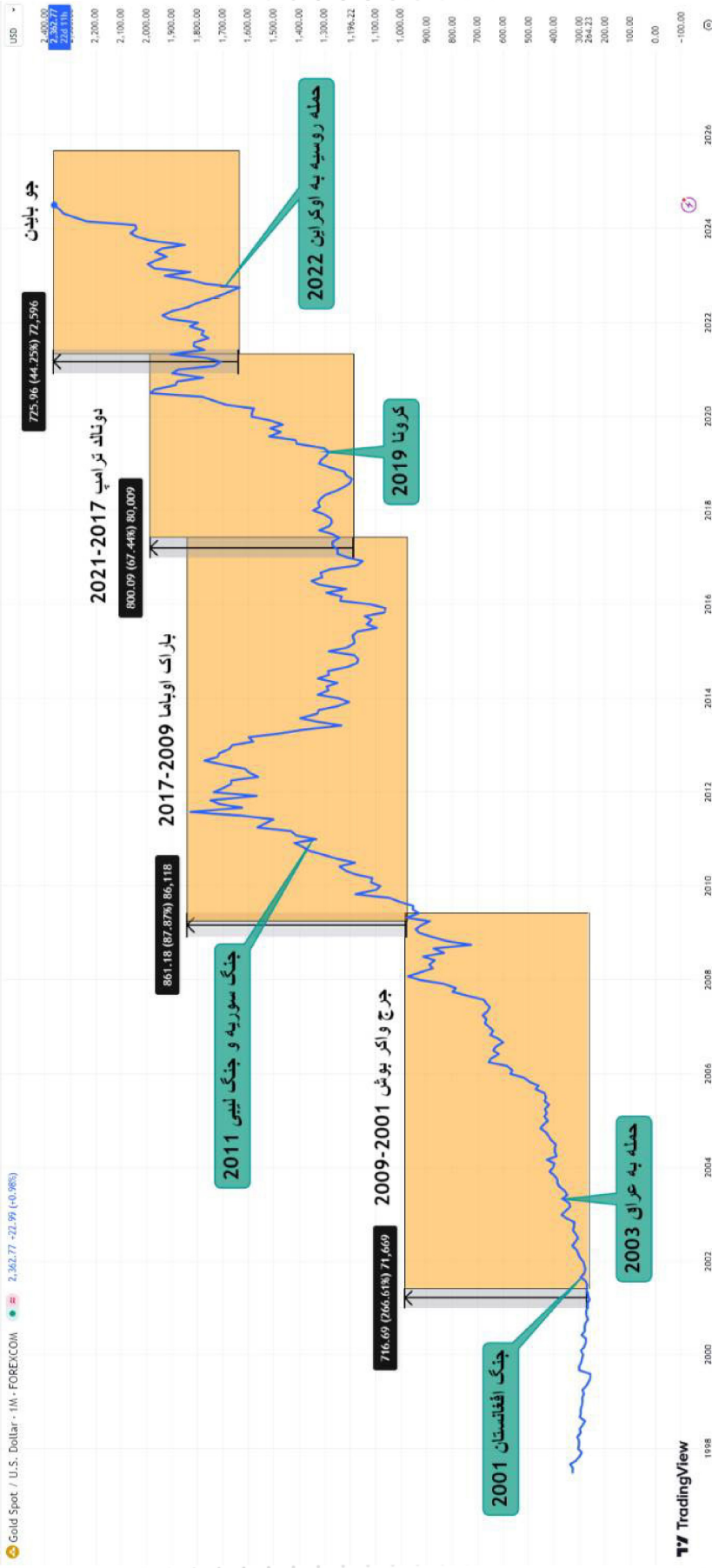
نمودار شاخص دلار



شاخص دلار در زمان ریاست جمهوری خواهان رشد بیشتری نسبت به زمان دموکراتها داشته است. در زمان ۸ ساله جرج بوش شاخص دلار کاهش ۴۰ درصدی داشته و در زمان ۴ ساله ترامپ رشد ۱۱ درصدی و در زمان ۸ ساله ریاست جمهوری اوباما رشد ۴۳ درصد و در زمان ۴ ساله بایدن مقدار رشد ۲۵ درصدی می باشد

نمودار انس جهانی

Gold Spot / U.S. Dollar - 1M - FOREXCOM 2,362.77 -21.91 (-0.98%)



قیمت جهانی طلا در زمان ریاست جمهوری دموکراتها رشد کمتری نسبت به زمان جمهوری خواه ها داشته است. در زمان ۸ ساله جرج بوش قیمت طلا رشد ۲۶۶ دلاری داشته و در زمان ۴ ساله ترامپ رشد ۶۷ درصدی و در زمان ۸ ساله ریاست جمهوری اوباما رشد ۸۷ درصد و در زمان ۴ ساله بایدن مقدار رشد ۴۴ درصد می باشد